

بسمه تعالی

نگاه مراجع تقلید شیعه به مسئله پیوند اعضا

(۱) آیت اله سید روح اله خمینی:

• اگر حفظ جان مسلمانی موقوف باشد بر پیوند عضوی از اعضاء میت مسلمانی، جایز است قطع آن عضو و پیوند آن و بعید نیست دیه داشته باشد و آیا دیه بر قطع کننده است یا بر مریض، محل اشکال است، لکن می‌تواند طیب با مریض قرار دهد که او دیه را بدهد و اگر حفظ عضوی از مسلمان موقوف باشد بر قطع عضو میت، در این صورت بعید نیست جایز نباشد و اگر قطع کند دیه دارد، لکن اگر میت در حال زندگی اجازه داد ظاهراً دیه ندارد، لکن جواز شرعی آن محل اشکال است و اگر خود او اجازه نداد، اولیاء او بعد از مرگش نمی‌توانند اجازه بدهند و دیه از قطع کننده ساقط نمی‌شود و معصیت کار است.

• قطع عضو میت غیرمسلمان برای پیوند حرام نیست و دیه ندارد، لکن اگر پیوند کرد، اشکال واقع می‌شود در نجاست آن و میت بودن آن برای نماز، اگر میت انسان در نماز اشکال داشته باشد، بنابراین اشکال در میت مسلمان نیز هست و اشکال نجاست اگر قبل از غسل قطع نمایند نیز هست، لکن می‌توان گفت که اگر عضو میت پس از پیوند، حیات پیدا کند از عضویت میت می‌افتد و به عضویت زنده درمی‌آید؛ و نجس و میت نیست بلکه اگر عضو حیوان نجس العین نیز پیوند شود و زنده به زندگی انسان شود از عضویت حیوان خارج و به عضویت انسان درمی‌آید.

• اگر قطع عضو را بعد از مردن جایز دانستیم، بعید نیست که در حال حیات، فروش آن جایز باشد و انسان بتواند اعضاء خودش را بفروشد برای پیوند، در مواردی که قطع جایز است، بلکه جواز فروش تمام جسم برای تشریح در موردی که جایز است، خیلی بعید نیست. اگرچه بی‌اشکال نیست لکن گرفتن مبلغی برای اجازه دادن در مورد جواز مانع ندارد.

(۲) آیت اله سید علی حسینی خامنه‌ای:

• به‌طور کلی مبادرت مکلف در هنگام حیات به فروش یا هدیه کردن کلیه یا هر عضو دیگری از بدن خود برای استفاده بیماران از آن‌ها در صورتی که ضرر معتنا به برای او نداشته باشد اشکال ندارد بلکه در

مواردی که نجات جان نفس محترمی متوقف بر آن باشد اگر هیچ‌گونه حرج یا ضرری برای خود آن شخص نداشته باشد واجب می‌شود.

• به‌طورکلی اگر این افراد دچار ضایعات مغزی غیرقابل درمان و برگشت شوند که بر اثر آن‌همه فعالیت‌های مغزی آنان از بین رفته و به حالت اغمای کامل فرو روند به‌نحوی که باعث فقدان و از دست رفتن هر نوع شعور و احساس و حرکت‌های ارادی می‌گردد در صورتی که استفاده از اعضای بدن چنین بیمارانی برای معالجه بیماران دیگر باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود جایز نیست در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو موردنیاز باشد اشکال ندارد.

۳) آیت اله حسین و حید خراسانی:

• چنانچه زنده ماندن مسلمان متوقف باشد بر این که عضو بدن مسلمان مرده‌ای را ببرند و به او پیوند بزنند، بریدن آن عضو جایز است، ولی قطع کننده باید دیه آن را بپردازد و پس از پیوند که جزء بدن زنده گشت، احکام بدن زنده بر آن جاری است.

• اگر شخصی راضی شود که در حال حیات خود عضوی از اعضای او را بریده و به دیگری پیوند زنند، چنانچه آن عضو از اعضای رئیسه باشد که بریدن آن صدمه‌ای به حیات او می‌زند و یا نقص و عیبی در او ایجاد می‌کند، بریدن آن جایز نیست و اگر با بریدن آن عضو ضرر و عیبی بر او وارد نمی‌شود مانند بریدن مقداری از پوست و یا گوشت ران که جای آن روئیده می‌شود، بریدن آن عضو با رضایت او جایز است و می‌تواند برای رفع ید از آن مبلغی دریافت کند.

۴) آیت اله سید محمد حسینی شاهرودی:

• چنانچه جان مؤمنی جداً در خطر باشد و نجات او به اهداء یکی از کلیه‌های مؤمنی منحصر باشد و ضرر مهمی متوجه مؤمن اهداءکننده نباشد، مانعی ندارد و در این مسئله محرم و نامحرم فرق نمی‌کند.

• چنانچه زندگانی شخص مریضی نیازمند و متوقف بر اهداء عضو باشد اهداء جایز است.

۵) آیت اله سید محمدصادق روحانی:

• اگر مردن قطعی باشد و احتمال خوب شدن داده نشود و حیات شخصی یا اشخاصی متوقف باشد بر استفاده از اعضاء و جوارح او بعید نیست حکم به جواز.

۶) آیت اله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی:

جایز است، وصیت به فروش یا اهدای بعضی اعضای بدن مانعی ندارد، کما اینکه در مقام اجرا باید به نحوی باشد که میت هتک نشود و اصل جسد با احترام دفن شود.

۷) آیت اله حسین نوری همدانی:

• فرد زنده می‌تواند بعضی از اعضای بدن مانند کلیه را اهداء کند و می‌تواند در مقابل آن مبلغی هم بگیرد و این در صورتی است که برای صاحب آن عضو ضرر نداشته باشد و اهدای اعضای میت نیز با وصیت وی مانعی ندارد.

۸) آیت اله محمدعلی علوی گرگانی:

• اهدای عضو فرد مسلمان در موارد خاصی که نجات جان یک فرد مسلمان دیگر به اهدای این عضو منوط باشد و راه دیگری نباشد بلاشکال است. اهدای عضو از فرد غیرمسلمان به مسلمان در هر شرایطی مانعی ندارد.

۹) آیت اله ناصر مکارم شیرازی:

• پیوند قلب، یا کلیه، یا اعضای دیگر جایز است، خواه آن عضو از انسان زنده‌ای گرفته شده باشد یا از میت و خواه آن میت، میت مسلمان باشد یا غیرمسلمان، ولی در صورتی می‌توان آن عضو را از بدن «میت مسلمان» قطع کرد و به بدن دیگری پیوند زد که حفظ جان آن مسلمان موقوف بر این پیوند باشد، همچنین اگر حفظ عضو مهمی مانند چشم موقوف بر این کار باشد و در هر صورت احتیاط آن است که قطع کننده عضو میت مسلمان، دیه قطع عضو را مطابق آنچه در کتاب‌های فقهی مفصل آمده است، بپردازد.

• هرگاه خود میت در حال حیات اجازه داده باشد که اعضای او را برای پیوند در اختیار دیگران بگذارند یا اولیاء میت بعد از وفات او اجازه دهند، حکم دیه و سایر احکام تغییر نمی‌کند و احتیاط آن است که دیه را در هر حال بپردازند.

• قطع عضوی از بدن یک انسان زنده و پیوند آن به انسان دیگر مانند آنچه در پیوند کلیه معمول است که یک کلیه از دو کلیه یک انسان زنده را برداشته و به کسی که هر دو کلیه‌اش فاسد شده است پیوند می‌زنند در صورتی جایز است که با رضایت صاحب آن باشد و جان او به خطر نیفتد و احتیاط آن است اگر پولی در برابر آن می‌گیرد، در مقابل اجازه اقدام به گرفتن عضو از او بگیرد نه خود عضو.

• هرگاه عضوی از مرده یا زنده جدا کنند و به دیگری پیوند زنند به طوری که جزء بدن انسان دوم شود، در این صورت نجس و میته نیست و برای نماز هم اشکال ندارد.

۱۰) آیت اله سید موسی شبیری زنجانی:

• اگر ضرورت داشته باشد، مانند اینکه جان مسلمانی بر آن متوقف باشد، اشکال ندارد.

(۱۱) آیت اله محمد اسحاق فیاض:

اگر پزشکان اختصاصی مرگ فردی را که مرگ او صد در صد مغزی است را تشخیص دهند، می‌توانند با موافقت اولیای مرده، یا بدون موافقت آن‌ها از اعضای آن مرده گرفته و عمل پیوند را برای بیماری که با این سبب بقای حیات و زندگی او می‌شود را انجام دهند.

(۱۲) آیت اله حسین مظاهری اصفهانی:

- اهدای عضو شخصی که دچار مرگ مغزی شده با اجازه قبلی خودش یا اجازه ولی او یا اگر ولی یا ورثه‌ای نداشت، با اجازه حاکم شرع اشکال ندارد.
- خرید و فروش اعضای بدن برای کمک به بیماران، اشکال ندارد.

(۱۳) آیت اله صافی گلپایگانی:

- به نظر اینجانب برداشتن عضو مسلمانی که هنوز فوت نکرده و لو مرگ مغزی او مسلم باشد، جایز نیست.
- مرگ مغزی مرگ نیست و اهدا اعضای بدن جایز نیست و وصیت به آن هم نافذ نیست و اثری ندارد بلی چنانچه حیات مسلمان موقوف به پیوند عضو باشد، با نبود میت غیرمسلمان جایز است از عضو میت مسلمان برای ادامه حیات مسلمان استفاده شود.

(۱۴) آیت اله سید علی سیستانی:

- برداشتن عضوی از شخص زنده برای شخص زنده دیگر و پیوند آن به بدن دیگری اگر او را با خطر جدی روبرو نکند مانعی ندارد مانند آنکه شخصی که کلیه دیگرش سالم است و کار می‌کند کلیه دومش را به بیمار کلیوی اهدا کند و همچنین بریدن عضوی از اندام شخص مرده با وصیت او و پیوند دادن آن به شخص دیگر هرگاه میت، مسلمان و یا در حکم مسلمان نباشد باز مانعی ندارد، زیرا نجات یک انسان مسلمان موقوف به آن است و اما در غیر این دو صورت در نفوذ وصیت و در صحت آن و در جواز قطع عضوی از وی، اشکال است اما به‌هرحال اگر طبق وصیت عضوی از مرده مسلمان بریده شد برای قطع کننده آن، دیه واجب نمی‌شود.
- برداشتن بخشی از بدن انسان زنده برای پیوند زدن در صورتی که قطع آن زیان مهمی داشته باشد مانند چشم و دست و امثال آن‌ها جایز نیست، ولی اگر زیان مهمی نداشته باشد مانند قطعه‌ای از پوست یا نخاع یا یک کلیه در صورت سالم بودن کلیه دیگر با فرض رضایت صاحبش جایز است اگر کودک یا دیوانه نباشد و گرنه به‌هیچ‌وجه جایز نیست و هرگاه قطع آن جایز بود گرفتن پولی به ازای آن نیز جایز است؛ و قطع عضو مسلمان مرده، مانند چشم و دستش برای پیوند زدن به بدن زنده جایز

نیست و اگر کسی چنین کند، بر او دیه لازم می‌آید؛ و دفن آن عضو قطع شده واجب است، ولی اگر پیوند زده شد و عضو جزو بدن زنده شد، قطع آن واجب نیست.

• اگر کسی که از نظر مغزی مرده است درحالی که قلب و ریه او هر چند به کمک دستگاه وظیفه خود را انجام می‌دهند شرعاً مرده شمرده نمی‌شود و قطع اعضای او برای الحاق به افراد زنده به هیچ وجه جایز نیست.

• نفوذ وصیت به اهدای عضو بعد از مرگ مشکل است.

۱۵) آیت اله محمدابراهیم جناتی:

• قطع عضو میت غیرمسلمان برای پیوند جایز است و دیه ندارد و پس از پیوند آن به بدن مسلمان و پیدایش حیات در آن نه نجس است و نه عنوان میته بر آن صدق می‌کند.

• گرفتن عضو میت مسلمان برای پیوند به زنده، در صورتی که بیمار کافر نباشد و حیات او بر آن متوقف باشد جایز است. منتهی بر کسی که آن را جدا می‌کند، دیه است.

۱۶) آیت اله مرتضی تهرانی:

• با توجه به ویژگی‌های طرفین و اجازه مجتهد این امر شروع خواهد شد.

۱۷) آیت اله اسداله بیات زنجانی:

• در موارد ضرورت طوری که حیات فرد بسته به این پیوند عضو باشد، با تشخیص پزشک حاذق جایز است اگرچه دیه آن به عهده پزشک و یا دولت اسلامی است که چنین اجازه‌ای را به صورت موردی صادر می‌کند.

۱۸) آیت اله سید کمال حیدری:

• اگر در زمان حیاتش رضایت داده باشد، مانعی ندارد.

۱۹) آیت اله سید محمدصادق شیرازی:

• اگر شخصی، عضوی از اعضای باطنی بدن خود مانند قلب و کلیه را بفروشد، یا اجازه دهد که بعد از مرگش از بدن او جدا کنند و به بدن دیگری پیوند بزنند، بعید نیست جایز باشد اگر موجب احیاء نفس محترمه باشد والله العالم.

۲۰) آیت اله محمدرضا نکونام:

• پیوند اعضای مسلمان به غیرمسلمان و عکس آن جایز است و اشکال ندارد.

(۲۱) آیت اله شیخ یوسف صانعی:

- پیوند اعضای مرده مسلمان به غیرمسلمان و برعکس صحیح است و اشکالی ندارد.
- قطع کردن عضوی از اعضای جسد انسان محترم برای پیوند زدن که احسان و معروف و برّ و خیر است، جایز است، مگر در صورتی که خود میّت، وصیّت به انجام ندادن آن نموده باشد و یا اولیای میّت راضی نباشند.
- اگر حفظ جان انسانی که جانش محترم است، بر پیوند عضوی از اعضای میّتی موقوف باشد، قطع آن عضو و پیوند آن، جایز است و بعید نیست که دیه داشته باشد و دیه بر عهده‌ی بیماری است که ذی‌نفع است. لیکن اگر میّت به هنگام حیات اجازه داده ظاهراً دیه ندارد. همچنین اولیای میّت بعد از مرگش می‌توانند اجازه بدهند و دیه از قطع کننده، بنا بر احوط بلکه اقوی ساقط نمی‌شود.

(۲۲) آیت اله سید محمدسعید حکیم:

- احتیاط وجوبی این است که اعضاء بدن را نفروشدند خصوصاً آن اعضائی که در معرض وابستگی زندگی انسان (همانند کلیه) به آن باشد، بلکه اگر از برداشتن آن بترسد که سلامتی آن به خطر بیافتد آن وقت حرام می‌شود. دریافت وجه مالی، هبه یا هدیه در مقابل عضو، بلاشکال است.
- برداشت و پیوند عضو از فردی که دچار مرگ مغزی شده به فرد زنده در صورتی که زندگی مسلمان وابسته به آن باشد، جایز است.

(۲۳) آیت اله محمدعلی گرامی:

- اگر حفظ جان مسلمانی بر پیوند عضوی از اعضاء میّت مسلمان متوقف باشد قطع و پیوند آن عضو جایز است و بنابر احتیاط واجب، دیه را بدهند و آیا دیه بر قطع کننده است یا بر مریض، محلّ اشکال است، لکن جراح می‌تواند با مریض قرار بگذارد که او دیه را بدهد؛ و فقط اگر حفظ عضوی مهمّ و مؤثر از مسلمان - و نه جانش بر قطع عضو میّت مسلمان متوقف باشد در این صورت نیز جواز آن بعید نیست، به خصوص اگر خود میّت به آن وصیّت کرده باشد و بنابر احتیاط دیه را بپردازند.
- قطع عضو میّت غیرمسلمان - کافر حربی مطلقاً و ذمی در ضرورت برای پیوند حرام نیست، ولی در اهل ذمّه بنابر احتیاط واجب دیه آن را بدهند.
- اگر عضو میّت پس از پیوند حیات پیدا کند از عضویت میّت می‌افتد و به عضویت زنده درمی‌آید و نجس و میته نیست، بلکه اگر عضو حیوان نجس العین نیز پیوند شود و به زندگی انسان، زنده شود از عضویت حیوان خارج و به عضویت انسان درمی‌آید و پاک می‌باشد.

۲۴) آیت اله محمدتقی بهجت فومنی:

- در صورت انحصار حفظ نفس محترمه و عدم امکان به دست آوردن کلیه از کافر، اشکال ندارد کلیه را واگذار کند و وجهی بگیرد.
- اهدای عضو در موردی که شرعاً جایز باشد، دیه ندارد.
- در تقدیر جواز اهدای عضو باید استحلال (طلب حلالیت) بشود، هر چند با پرداخت دیه یا ارش.

۲۵) آیت اله محمد فاضل لنکرانی:

- عضوی که از بدن میت قبل از غسل دادن جدا شود یا از بدن انسان زنده، یا از بدن کافر و یا حیوان جدا شود، نجس است ولی در صورتی که به واسطه پیوند زدن، عضو بدن فرد گیرنده شود، پاک می‌گردد.
- از دیدگاه اسلامی، انسان در بین سایر موجودات از جایگاه والا و ارزش ویژه‌ای برخوردار است. حفظ حیات انسان مورد توجه اکید اسلام قرار گرفته و حفظ جان هر فرد را بر دیگران واجب کرده و آن را یکی از مهم‌ترین واجبات شمرده است). وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (سوره مائده، آیه ۳۲) و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.
- به خطر انداختن حیات انسان‌ها و گرفتن جان آنان، از گناهان کبیره و موجب دوری از رحمت خدا و گرفتار شدن به عذاب جانکاه و ابدی الهی است و تا زمانی که فردی زنده باشد، هیچکس حق ندارد حیات او را به خطر اندازد. به جز مواردی که شخص با ارتکاب بعضی اعمال موجبات سلب احترام از حیات خود را به وجود آورده و مجوز کشته شدن خویش را فراهم سازد.
- از سوی دیگر از دیدگاه اسلام، انسان زنده کسی را می‌گویند که روح از بدنش جدا نشده، گرچه مشاعر خود را از دست داده باشد. بر همین اساس کسانی که به اصطلاح پزشکی دچار مرگ مغزی شده‌اند، انسان زنده به حساب می‌آیند و از همان احترام قبلی برخوردار می‌باشند و هرگونه اقدامی در مورد این افراد از دیدگاه فقه اسلامی حکم ویژه‌ای دارد که در ادامه به ذکر پاره‌ای از آن‌ها می‌پردازیم.
- مرگ از دیدگاه فقهی طبق آنچه در قرآن آمده عبارت است از «جدایی روح از بدن»، در نتیجه می‌توان گفت: حیات نیز همراهی روح با بدن است.
- از دیدگاه پزشکی جدید، مرگ انسان، همان مرگ مغزی است.
- مرگ مغزی حالتی است که همه فعالیت‌های شناخته‌شده مغز متوقف شود. ولی قلب و بعضی ارگان‌های دیگر بدن به کار خود ادامه دهند. تنفس در این بیماران متوقف شده و با استفاده از دستگاه‌های تنفس دهنده اسپیراتور می‌توان تنفس را برقرار کرد. این‌گونه بیماران در فواصل زمانی چند ساعت تا چند ماه نهایتاً دچار ایست قلبی شده و خواهند مرد.
- در صدق عنوان میت که موضوع بخشی از احکام شرعی است، آنچه معتبر است نظر عرف است، یعنی عرف او را مرده به حساب آورد و عرف، بیمار مبتلا به مرگ مغزی را مرده به حساب نمی‌آورد.

• همان‌گونه که گذشت در صدق عنوان مرگ، نظر عرف معتبر است و چون عرف بیمار مبتلا به مرگ مغزی را زنده به حساب می‌آورد، همه احکام حیات شرعاً بر او بار می‌شود حتی دیه و قصاص. بله اگر در نظر عرف، مرگ ثابت و مسلم باشد ولی پزشک احتمال حیات او را بدهد، هر عملی که موجب قتل او شود نسبت به او جایز نیست. ولی در این فرض اگر کسی مرتکب قتل شود حکم به قصاص نمی‌شود.

• اقدام در مورد معالجه بیماران مبتلا به مرگ مغزی همانند وصل کردن دستگاه تنفس دهنده به آنان تا حدّ امکان واجب است.

• قطع معالجه بیماران مبتلا به مرگ مغزی مانند جدا کردن از دستگاه تنفس دهنده جایز نیست.

• در مورد فرد مبتلا به مرگ مغزی اگر صدق کند که انسان زنده مریض است، کشتن او جایز نیست و دیه کامل دارد و اگر صدق کند که مرده است، حکم سایر اموات را دارد.

• در صورتی که پرداخت دیه کامل واجب باشد، دیه به ورثه تعلق می‌گیرد.

• در صورتی که صدق کند که عضوی از میت جدا شده است، دیه آن عضو به مصرف خیرات برای میت می‌رسد و ورثه از آن ارث نمی‌برند.

• اگر پزشک مباشر در قتل یا قطع عضو باشد، دیه کامل بر او واجب است، لکن می‌تواند با بیمار گیرنده عضو قرار بگذارد که دیه را از طرف پزشک بپردازد(1).

• قبل از شروع معالجه می‌توان بعضی از بیماران مبتلا به مرگ مغزی را به لحاظ اهمیت بر بعضی دیگر ترجیح داد. ولی بعد از شروع معالجه قطع آن اشکال دارد و جایی برای ترجیح بیماری بر بیمار دیگر نیست.

استفاده از اعضای بیماران مبتلا به مرگ مغزی

• اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که مبتلا به مرگ مغزی شده‌اند برای معالجه بیماران دیگر باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود، جایز نیست(2).

• ترمیم عضو قطع شده یک انسان و حیات مجدد بخشیدن بدان، همان قدر که زندگی را برای صاحب عضو، شیرین می‌کند، برای پزشک لذت‌بخش است و در درگاه خداوند از اجر و پاداش فوق‌العاده‌ای برخوردار خواهد بود؛ ولی مسئله مهم، طریقه تهیه و تأمین عضو است که باید مدّ نظر قرار گیرد. آیا پزشک و یا هر فرد دیگری به بهانه احیای عضو یک انسان، مجاز است عضو فرد دیگری را گرچه مرده باشد در هر شرایطی قطع کند؟ یا این که این کار تابع قواعد و قوانین خاصی است؟

• ممکن است بین پزشکان، عده‌ای باشند که خود را فارغ از همه قوانین و مقررات حاکم بر این عمل فرض کنند و تنها در فکر ترمیم عضو باشند، اما از منظر فقه اسلامی چنین نیست. پزشک یا هر فرد دیگر، آزاد نیست که از هر طریق ممکن به تأمین عضو موردنیاز بپردازد، بلکه تهیه و تأمین و پیوند آن، احکام ویژه‌ای دارد که در این فصل به آن پرداخته شده است.

قطع عضو از شخص زنده و پیوند آن به دیگری

- قطع کردن عضوی از اعضای شخص مسلمان زنده برای پیوند به دیگری در صورتی که سه شرط زیر حاصل باشد مسلماً جایز است:
- الف: حیات بیمار، متوقف بر پیوند آن عضو باشد.
- ب: تأمین این عضو از غیرمسلمان ممکن نباشد.
- ج: پس از قطع عضو، خطر جانی و یا ضرر غیرقابل تحمل متوجه اعطاکننده نشود.
- بنابراین قطع عضو برای پیوند به اعضای بدن با وجود شرایط فوق قطعاً جایز است.
- هرگاه به عضو شخص کافر زنده‌ای نیاز باشد که با پیوند آن سلامت عضو شخص دیگری و یا حیات وی تأمین شود، قطع این عضو کافر با اجازه وی جایز است.
- هرگاه شخص مسلمان زنده به قطع عضو خود برای استفاده از آن در پیوند، راضی باشد و قطع آن خطر جانی برای او نداشته باشد، قطع این عضو جایز است، خواه تأمین این عضو از غیرمسلمان ممکن باشد و خواه نباشد و خواه حیات شخص پیوند گیرنده متوقف بر این پیوند باشد و یا این که برای تأمین سلامت و یا استفاده عقلایی دیگری به کار گرفته شود.
- عمل پیوند پس از فراهم شدن عضو موردنیاز با احتمال مفید بودن برای گیرنده عضو، از سوی پزشک جایز است.
- جواز اهداء و خریدوفروش عضو
- اهداء و خریدوفروش عضو با شرایط مذکور در مسئله ۳۷۸ بلامانع است.
- در مواردی که قطع عضو از شخص زنده مسلمان یا کافر جایز است، آن شخص می‌تواند عضو خود را به صورت هدیه واگذار کند و می‌تواند آن را به مبلغی بفروشد و اگر او هدیه کرد، گیرنده عضو و یا دیگری می‌تواند به وی جایزه و هدیه‌ای بدهد.
- حکم پیوند با علم به مفید نبودن
- اگر پزشک مطمئن باشد و یا احتمال عقلایی بدهد که بدون گیرنده، عضو پیوندی را قبول نخواهد کرد، مجاز نیست از بدن فرد زنده یا مرده، عضوی را جدا کند و به بیمار پیوند بزند.
- وصیت به اهدا و فروش عضو بعد از مرگ
- شخص می‌تواند در زمان حیات عضو یا اعضاء خود را بفروشد و وصیت کند که بعد از مرگش از اعضای او برای پیوند شخص یا اشخاص مخصوصی استفاده شود و در این صورت باید حدود وصیت او مورد توجه قرار گیرد و تنها اعضای مورد وصیت در صورتی که حیات فرد مسلمان دیگری متوقف بر آن باشد، قطع و پیوند زده می‌شود.
- هرگاه شخصی وصیت کند بعد از مرگش یک یا چند عضو را برای پیوند در اختیار مراکز جراحی قرار دهند، قطع عضو مورد وصیت در فرض ضرورت جایز است و چون مفروض این است که شخص مرده است، بنابراین فرقی بین اعضای او نیست.

اگر اعضای بدن میّت طبق وصیّت او قطع شد احتیاط آن است که دیه آن صرف امور خیر برای متوفی شود.

• دیه‌ای که در اثر قطع عضو متوفی دریافت می‌شود باید خرج میّت شود مثلاً در خیرات صرف کنند و ورثه از این مال ارث نمی‌برند.

اذن اولیاء برای قطع عضو میّت

• در صورتی می‌توان عضو یا اعضاء میّت را برای پیوند به دیگری قطع کرد که در زمان حیات فروخته شده باشد تا پس از مرگ قطع کنند و به دیگری پیوند بزنند و یا حیات مسلمانی متوقف بر قطع این عضو برای پیوند باشد و رضایت ولی یا اولیاء میّت شرط نیست.

• اذن ولیّ فقیه یا مجتهد جامع‌الشرایط برای قطع عضو

• در تمام موارد، هرگاه ولیّ فقیه یا مجتهد جامع‌الشرایط یا کسی که از جانب او نمایندگی دارد، به قطع عضو شخص زنده یا مرده‌ای برای پیوند حکم کند، قطع عضو برای این منظور جایز، بلکه واجب است.

قطع عضو میّت مسلمان برای نجات جان مسلمان

• اگر حفظ زندگی مسلمانی متوقف بر پیوند عضوی از اعضای میّت مسلمان به بدن او باشد، قطع این عضو و پیوند آن جایز است.

• تشویق برای اقدام به دادن عضو

• تشویق مردم برای اقدام به اهدای اعضاء جهت پیوند و تبلیغ آن

• در رسانه‌های گروهی به شرط آن که حدود و موارد مشروع کاملاً تبیین گردد، شرعاً مانعی ندارد.

قطع عضو میّت غیرمسلمان

• قطع عضو از جسد غیرمسلمان برای پیوند جایز است و بعد از جان گرفتن حکم به طهارت آن می‌شود و دیه ندارد و اگر رضایت اولیای میّت تحصیل گردد رفع هرگونه شبهه‌ای شده است.

• پیوند عضو مسلمان به غیرمسلمان

• تزریق خون و همچنین پیوند استخوان و یا عضو دیگر مسلمان به غیرمسلمان با رعایت شرایط مذکور در پیوند جایز است.

قطع عضو میّت برای حفظ عضو مسلمان زنده

• در صورتی که زندگی عضوی از اعضای مسلمان زنده، بر قطع عضوی از بدن میّت مسلمان متوقف باشد قطع آن عضو جایز است و ملاک ضرورت است.

• در مواردی که قطع عضوی از اعضای میّت مسلمان جایز نیست، اگر آن را قطع کنند، بر شخصی که آن را قطع کرده پرداخت دیه به شرحی که در مسائل تشریح گفته‌شده، واجب است.

قطع عضو بیمار برای معالجه

- معالجه با چیزی که ضرر دارد و ضرر آن قطعی و فوری است مانند قطع بعضی از اعضای بدن، در صورتی که از ضرر بزرگ‌تر و شدیدتر مانند مرگ جلوگیری کند جایز است.
- معالجه با عمل جراحی، سوزاندن عضو، قطع عضو، در صورتی جایز است که پزشکان حاذق ضرورت آن را تشخیص دهند و جراح، محتاط و باتجربه باشد و شخصی سهل‌انگار و متهور نباشد.
- پیوند جزئی از بدن انسان به خودش
- پیوند زدن جزئی از بدن انسان مانند پوست، رگ و استخوان به جزء دیگر از بدن خود او اشکال ندارد و در صورتی که ظاهر باشد وضو و غسل هم صحیح است.

قطع عضو انسان مشرف به موت

- اگر بنا بر تشخیص پزشکان مرگ انسانی مسلم باشد جایز نیست بدون مراعات شرایط ذکر شده عضوی از اعضای او را از بدنش جدا کنند، مثلاً کلیه را برای پیوند از بدنش درآورند.

پیوند تخمدان زن اجنبی

- با توجه به شرایط ذکر شده در پیوند اعضاء، پیوند تخمدان اشکالی ندارد و اگر بعد از پیوند، جزء بدن گیرنده شود و پس از آن تلقیح صورت گیرد، فرزند ملحق به صاحب اسپرم و زنی است که به بدن او پیوند زده شده است و زن اجنبی حکم مادر را ندارد.
- در مواردی که اصل پیوند با توجه به شرایط آن جایز باشد زن و مرد و محرم و نامحرم بودن گیرنده و دهنده عضو فرقی نمی‌کند ولی در هر مورد، لازم است مسائل شرعی مخصوص به آن مراعات شود.

پیوند عضو قطع شده در اجرای حدّ

- عضوی را که برای اجرای حدّ قطع می‌کنند نمی‌توان مجدداً به صاحب آن پیوند زد، اما این عضو در اختیار شخصی است که از او قطع شده است و پیوند زدن آن به دیگری با اذن صاحب آن جایز است، همچنین اختیار این که بتواند به‌طور رایگان و یا در برابر مبلغی واگذار کند با صاحب آن است.
- عضوی که برای قصاص قطع می‌شود چند صورت دارد:
- الف: هرگاه شخص جانی عضوی را که قطع نموده از قابلیت پیوند زدن خارج کرده باشد مثل آنکه آن را کوبیده ریز ریز کرده باشد و یا آنکه آن را به حیوان گوشت‌خواری خورانده و یا اینکه از دسترسی صاحبش دور نگه‌داشته تا فاسد شده باشد و...
- در این صورت اختیار عضو وی در دست قصاص کننده است که می‌تواند همانند وی آن را از قابلیت پیوند زدن خارج کند.

- البته قصاص کننده نمی‌تواند این عضو را بفروشد و یا رایگان به شخص سومی برای پیوند واگذار نماید، ولی می‌تواند بعد از قصاص از حقّ خود بگذرد و آن را از بین نبرد و سالم در اختیار صاحبش قرار دهد، در این صورت اگر قصاص کننده اذن دهد، صاحب عضو می‌تواند آن را به بدن خود پیوند

بزند و اگر اذن پیوند زدن ندهد صاحب عضو می‌تواند آن را مجانی یا در برابر گرفتن مبلغی به دیگری واگذار کند.

• ب: هرگاه جنایت او به مجرد قطع عضو خاتمه یافته و امکان پیوند مجدد آن برای صاحب عضو فراهم بوده است، اما صاحب عضو خود اقدام به پیوند ننموده باشد در این صورت قصاص کننده نیز تنها حق قطع کردن عضو او را دارد و بعد از آن اختیار عضو با صاحب آن یعنی قصاص شونده است و می‌تواند اقدام به پیوند آن بنماید و یا آن‌که برای استفاده به صورت رایگان یا در برابر مبلغی به دیگری واگذار کند.

ج: در صورتی که جانی، عضو را قطع نموده است و امکان پیوند مجدد آن نیست و یا آنکه صاحب عضو امکان مالی پیوند زدن را نداشته باشد و یا از پیوند غافل شود به گونه‌ای که عرفاً از دست رفتن عضو او، تنها مستند به عمل جانی باشد، در این موارد نیز حکم بند الف را دارد، یعنی اختیار عضو با قصاص کننده است ولی نمی‌تواند بفروشد و یا به دیگری اهدا کند.

• برداشتن عضو محکوم به اعدام

• در صورتی که شخصی به دلیلی غیر از قصاص توسط قاضی جامع الشرائط محکوم به اعدام شده باشد و شرع مقدس نوع اعدام را مشخص ننموده باشد، جایز است با رضایت محکوم به اعدام، در زمان حیات او پس از بی‌هوشی، عضو یا اعضای او را جهت پیوند به دیگری بردارند به شرط آن‌که پس از بی‌هوشی بمیرد و این خود نوعی اعدام تلقی خواهد شد.

• تخفیف در نوع مجازات به شرط واگذاری عضو

• در مواردی که مانند مفسد فی الارض و محارب یکی از شقوق مجازات شخص مجرم اعدام است به شرط آنکه از نظر قانون منعی نباشد هرگاه قاضی مصلحت بداند می‌تواند محکومیت مجرم را از اعدام تنزل دهد، مشروط به اینکه مجرم عضوی از اعضای خود را برای پیوند نیازمندان واگذار کند.

پیوند اعضای حیوانات به بدن انسان

پیوند اعضای حیوانات حتی اگر نجس العین باشند مانند سگ و خوک به انسان در صورتی که جان بگیرد و عضو زنده شمرده شود، جایز است و حکم به طهارت آن می‌شود.

• واگذار نمودن عضو برای پیوند به جای تعزیر

• در موارد تعزیر به شرط آنکه از نظر قانونی منعی نباشد، قاضی می‌تواند در صورت توافق مجرم تعزیر مجرم را اهدای عضوی از وی و یا واگذار نمودن آن در برابر اخذ مبلغی قرار دهد که در پیوند از آن استفاده شود، لکن قاضی باید مراقب باشد که این تعزیر سبک‌تر از حدّ باشد.

اهدای عضو در برابر عفو از قصاص

• در مورد افرادی که محکوم به قصاص شده‌اند، اولیای دم می‌توانند در برابر اهدای عضوی از طرف محکوم، برای پیوند، از اعدام وی صرف‌نظر کنند.

حکم به قطع و اهدای عضو برای تخفیف مجازات

• در مواردی که اصل تخفیف مجازات محکومین برای حاکم شرع، شرعاً مجاز باشد هرگاه حاکم شرع به مصلحت جامعه اسلامی بداند می‌تواند تخفیف مجازات محکومی را موکول به اهداء و یا واگذاری عضوی از اعضای وی برای پیوند نماید.

(۲۶) آیت اله محمدباقر موحدی نجفی:

• اگر حفظ جان مسلمانی متوقف باشد بر پیوند عضوی از اعضای میت مسلمان به بدن او، قطع و پیوند آن عضو جایز است و بنا بر احتیاط واجب دیه را بپردازند؛ و این که دیه بر قطع‌کننده باشد یا با مریض، محل اشکال است، ولی پزشک می‌تواند با مریض قرار بگذارد که دیه را خود مریض پرداخت نماید

• اگر حفظ عضوی از مسلمان متوقف باشد بر قطع عضو میت در این صورت عدم جواز بعید نیست و اگر قطع کند دیه دارد، لکن اگر میت در حال زندگی اجازه قطع داده باشد ظاهراً دیه ندارد، لکن جواز شرعی آن محل اشکال است.

• اگر خود میت در حال حیات اجازه قطع اعضایش را بعد از مرگ نداده باشد، اولیای او بعد از مرگش نمی‌توانند اجازه بدهند و قطع‌کننده معصیت کار و دیه از قطع‌کننده ساقط نمی‌شود.

• قطع عضو میت غیرمسلمان برای پیوند حرام نیست ولی در مورد اهل ذمه خلاف احتیاط می‌باشد، لکن اگر پیوند کرد اشکال واقع می‌شود در نجاست آن و میت بودن آن برای نماز، اگر میتی انسانی در نماز اشکال داشته باشد. بنابراین اشکال در میت مسلمان نیز می‌باشد و اشکال نجاست اگر قبل از غسل قطع نماید نیز هست؛ لکن اگر عضو میت عضو انسان زنده قرار بگیرد این اشکال از بین می‌رود.

(۲۷) آیت اله حاج میرزا یداله دوزدوستانی:

اگر شخصی وصیت کند که پس از مرگش عضوی از اعضایش را قطع کنند تا به بدن شخص زنده‌ای پیوند بزنند، عمل به آن محل اشکال است، مگر اینکه آن عضو، عضوی باطنی باشد، مثل کلیه و در این صورت جواز بعید نیست و دیه بر قطع‌کننده هم واجب نیست.

برداشتن عضوی از بدن انسان زنده برای پیوند، در صورتی که صاحب عضو راضی به این کار باشد، دو صورت دارد: الف) اگر از اعضای مهم مانند چشم و گوش و پوست بدن باشد، جایز است و در اعضای باطنی مانند کلیه هم در صورتی مضر بر بدن نباشد، جایز است.

(۲۸) آیت اله قربانعلی محقق کابلی:

• قاچاق و خریدوفروش اعضای بدن انسان جواز ندارد ولی صاحب عضو می‌تواند اعضای غیر رئیسه خود را که ضرر قابل توجه نداشته باشد و هیئت او را تغییر ندهد اهداء کند و یا بفروشد.

۲۹) آیت اله سید ابوالقاسم خویی:

- جایز نیست بریدن عضوی از اعضاء بدن مردهٔ مسلمان مانند چشم و یا عضو دیگر به منظور پیوند زدن آن عضو به بدن شخص زندهٔ دیگر و قطع کننده ملزم شود که دینهٔ آن عضو را به ورثهٔ مرده بپردازد، ولی چنانچه زنده ماندن یک فرد مسلمان متوقف گردد که عضو بدن مردهٔ مسلمانی را ببرند و به او پیوند زنند، جایز است بریدن آن عضو ولی قطع کننده باید دینهٔ آن را بپردازد و در هر دو صورت پیوند زدن عضو قطع شده به بدن دیگری اشکال ندارد و پس از پیوند چون جزء بدن شخص زنده می‌گردد، احکام بدن زنده بر او جاری است....
- و ظاهر این است که جایز باشد در حال حیات خود وصیت کند که پس از مردن او عضوی از اعضاء او را قطع کنند و به دیگری پیوند زنند و در این صورت بریدن عضو آن میت دیه ندارد.
- اگر شخصی راضی شود که در حال حیات خود عضوی از اعضاء او را بریده و به دیگری پیوند زنند چنانچه عضوی که به رضایت خود او بریده می‌شود از اعضاء رئیسه بوده باشد که بریدن آن صدمه‌ای به حیات او می‌زنند و یا نقص و عیبی در او ایجاد می‌کند، بریدن آن عضو جایز نیست.
- و اگر بر بدن آن عضو ضرر و عیبی بر او وارد نمی‌شود مانند بریدن مقداری از پوست و یا گوشت ران که جای آن روئیده می‌شود، در این صورت بریدن آن عضو به رضایت خود او جایز است و می‌تواند برای بریدن آن عضو مبلغی را نیز دریافت کند.
- جایز است تبرع کردن خود به بیمارانی که احتیاج به تزریق خون دارند و جایز است گرفتن مبلغی در مقابل دادن خون ولی در هر دو صورت باید دادن خون به صاحب آن ضرر جانی نداشته باشد.
- جایز است بریدن عضوی از بدن مردهٔ کافر و یا مشکوک الاسلام، به منظور پیوند زدن آن به بدن شخص مسلمان و پس از پیوند زدن چون جزء بدن مسلمان می‌شود، احکام بدن مسلمان بر او جاری است و همین‌طور جایز است عضوی از اعضاء بدن حیوان نجس‌العین را به بدن شخص مسلمان پیوند زدن و چون پس از پیوند زدن جزء بدن مسلمان می‌گردد، احکام بدن مسلمان بر آن عضو جاری است و نماز خواندن با آن عضو نیز جایز است.

۳۰) آیت اله سید محمود هاشمی شاهرودی:

- به مرگ مغزی فوت صدق نمی‌کند و با درخواست مریض و یا اولیای قانونی آن نمی‌توان به زندگی آن خاتمه داد که این کار جایز نیست و در صورتی که مریض قبلاً اجازه اهداء عضو یا اعضاء بدن خود را داده باشد و حقیقتاً مرده باشد، قطع و پیوند آن به دیگری جایز است.
- اهدای عضو، در صورتی که خود طرف در زمان حیات خود وصیت کرده باشد یا اذن داده باشد، جایز است و در غیر این دو مورد جایز نیست.
- حق اهداء عضو تنها اختصاص به خود فرد، آن هم در زمان حیات او دارد، لذا این حق به خود شخص اختصاص دارد نه ورثه.

• انسان در زمان حیات خود حق اهدای اعضاء بدن خود را دارد، لذا می‌تواند با وصیت یا اذن در زمان حیات، عضو خود را به دیگران هدیه دهد. انسان مالکیت اعتباری بر اعضاء خود (چه رئیس و چه غیر آن) را ندارد؛ لیکن می‌تواند آن‌ها را در مقابل مال به دیگران واگذار کند.

(۳۱) آیت اله جعفر سبحانی:

• مرگ مغزی مجوّز اخذ اعضاء نیست، باید مرگ قلبی نیز اتفاق بیافتد و به تمام معنی بمیرد در این صورت اخذ عضو با اجازه ولی در صورت ضرورت از قلب و کلیه و کبد که حیات شخص دیگری به آن بستگی دارد اشکال ندارد.

به‌روزرسانی: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲

